



پژوهشی در پژوهش

رضا مصطفوی سبزواری*

به عنوان نمونه به ذکر شواهد زیر بسنده می‌کنیم.
در شاهنامه فردوسی شاهکار حماسی جهان دربارهٔ
حقیقت‌خواهی و راستی‌جویی و پژوهش چنین می‌خوانیم:
زهر کشوری گرد کن بخردان
ز اخترشناسان و از موبدان
سخن سر به سر موبدان را بگوی
پژوهش کن و راستی بازجوی^۲
پژوهش فردوسی دربارهٔ منابع و مآخذ تدوین
شاهنامه همواره سبب کاربرد این واژه شده است:

پژوهندهٔ نامهٔ باستان
که از پهلوانان زند داستان
چنین گفت کاین تخت و کلا
کیومرث آورد و او بود شاه^۳
ابوسعید ابی‌الخیر (۴۴۰-۳۵۷ ق) همپایهٔ حافظ در پایگاه

اگر بخواهیم مفهوم درست پژوهش را بیشتر بازکنیم باید
بگوییم: پژوهش حقیقت‌پژوهی است و حقیقت‌پژوهی نتیجهٔ
شناخت است و شناخت چراغ راه و ابزاری برای بهبود
خواهان است. ملت‌هایی که با حقیقت‌پژوهی آشنایی نداشته
باشند، نه تنها در مسائل نظری بل در زندگی عملی نیز
محکوم به فنا هستند؛ چنین مردمی به آسانی تسلیم بدآموزیها
و غیرحقیقی‌ها می‌شوند و نادانسته تسلیم ناراستیها می‌گردند
و آنها را به جای حقیقتها و حقیقیها می‌پذیرند.

به عبارت دیگر، باید گفت: پژوهش عبارت است از
کشف و دریافت آنچه بر دیگران مجهول است و نیز
برگشودن و گستردن و تأیید و روش‌تر ساختن آنچه به
اجمال بر دیگران معلوم است. بنابراین، پژوهش باید
دربردارندهٔ یک «نوآوری» و نوجویی باشد و البته پژوهشگر
باید از تقلید و تکرار آنچه دیگران پژوهیده‌اند، دوری گزیند.^۱
پژوهش در میان ایرانیان موضوع تازه و بی‌سابقه‌ای نیست و
در فرهنگ گذشتهٔ ایران زمین و ایرانیان فرهنگ‌مدار از
دیرباز وجود داشته و دانشمندان کار آگاه و علاقه‌مند به
پیشبرد علوم و دانشهای گونه‌گون زمان خود، همواره به امر
پژوهش توجه و عنایت خاصی مبذول می‌داشته‌اند که تنها

* استاد دانشگاه علامه طباطبائی.

۱. ر.ک: آئین پژوهش، ا.ح. آریان‌پور، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.

۲. شاهنامه فردوسی، به کوشش دکتر محمددبیرسیاقي، کتابفروشی علمی و ابن‌سینا،

۳۵ / ۱

۳. همان، ص ۱۳.

استاد دکتر سید حسین نصر درباره پژوهشگری ابوریحان می‌نویسد: صداقت و بی‌نظری علمی او در تحقیق و تفحص باعث شد که بیرونی هم یک مسلمان متدین و معتقد باشد و هم یک پژوهشگر بی‌تعصب و بی‌نظیر.^۹

دکتر غلامحسین مصاحب درباره ابوریحان می‌نویسد: ابوریحان بیرونی یکی از بزرگترین دانشمندانی است که تاکنون پایه‌عرصه وجود نهانده‌اند روح تحقیق و تدقیق، فکر نکته‌سنج و موشکاف، ذوق سلیم و هوش سرشار، سعه‌صدر و انصاف و عشق به حقیقت و بی‌پروایی او در دریدن پرده‌های تعصب و خرافات برای رسیدن به آن در قرون وسطی بی‌نظیر است.^{۱۰}

استاد دکتر ذبیح‌الله صفا درباره پژوهشگری ابوریحان می‌نویسد: فرق او (بیرونی) در تحقیق مطالب با سایر دانشمندان اسلامی در آن است که طریقه استقراء و استنتاج را در کار اتخاذ کرده است. وقتی که بحثهای او و سپس وصول او را به نتایج آن بحثها مطالعه می‌کنیم درست مانند آن است که با یکی از محققان عالی‌مقام معاصر خود در جهان روبه‌رو هستیم. در شیوه کار او آنکه حکومت قطعی دارد عقل است اما نه عقل مجرد بلکه عقلی که دلایل خود را از عوالم واقعی تجربه یا تحقیقات علم به دست می‌آورد.^{۱۱}

جرفادقانی مترجم تاریخ یمینی (در ۶۰۳ق) لفظ غیرپژوهشگرانه را بی‌اعتبار می‌دارند و می‌گوید: استاد ابوبکر که در هر باب مقتدای او بود با او مناظره کرد، لفظ او را بر محک امتحان عیاری نیافت و سخن او را در تحقیق اعتباری ندید^{۱۲} و سعدی کتابخوان بی‌عمل را غیرمحقق و به تبع آن غیر دانشمند می‌داند.

۴. تنگ: بهن

۵. اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، به تصحیح شفیعی کدکنی، ۱/ ۳۵.

۶. تاریخ بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی دبیر، به کوشش خطیب رهبر، ص ۱۰.

۷. همانجا

۸. بیرونی‌نامه، ابوالقاسم قربانی، از انتشارات انجمن آثار ملی، ص ۲۲.

۹. همان، ص ۱۴.

۱۰. همان، ص ۱۳.

۱۱. همان، ص ۱۵.

۱۲. ترجمه تاریخ یمینی، تهران، ص ۴۰۰.

تصوف و عرفان و طلایه‌دار فرهنگ و روحانیت، در چهار قرن اول اسلامی، در مورد نحوه پژوهش و تحقیق چنین می‌گوید:

شیخ ما گفت: خردمند مرد، آن است که چون کارش پیش آید همه رأیها جمع کند و به بصیرت دل در آن نگرد تا آنچه صواب است از او بیرون کند و دیگر را یله کند، همچنانکه کسی را دیناری گم شود اندر میان خاک، اگر زیرک بود همه خاک را که بدان حوالی بود، جمع کند و به غربالی تنگ فرو گذارد تا دینار از میان پدپد آید.^۵

ابوالفضل بیهقی نویسنده نامدار و تاریخ‌پژوه نیمه اول سده پنجم هجری در مورد نحوه نگارش تاریخ خود و پژوهش و استقصای منابع کتابش و نیز انتقاد از مورخین غیرمتعهد و غیرمحقق می‌نویسد:

در دیگر تواریخ چنین طول و عرض نیست که احوال را آسانتر گرفته‌اند و شمه‌ای بیش یاد نکرده‌اند اما من چون این کار پیش گرفتم، می‌خواهم که داد این تاریخ به تمامی بدهم و گرد زوایا و خبایا برگردم تا هیچ از احوال پوشیده نماند.^۶ نیز در جای دیگر در پیوند با نحوه و روش کار و پژوهشهای تاریخی خود می‌نویسد:

من که این تاریخ پیش گرفته‌ام الزام این قدر بکرده‌ام تا آنچه نویسم یا از معاینه من است یا استماع درست از مردی ثقه.^۷ ابوریحان بیرونی (۴۰-۳۶۲ ق) ریاضی‌دان نامی و منجم شهیر و جغرافیدان بزرگ ایران درباره نحوه پژوهش خود می‌نویسد:

نخست به تصحیح مسافتها و نامهای جاها و شهرها پرداختم و این کار را با پرسیدن از کسانی که به آنها رفته بودند و محک زدن و درست کردن گفته‌های آنان با یکدیگر به انجام رسانیدم و برای دست یافتن به آنچه می‌خواستم از بخشیدن مال و جاه دریغ نوزیدم، نیمکره‌ای به قطر ده ذراع^۸ ساختم تا بر روی آن طولها و عرضها را از روی مسافتات بیرون آوردم... ولی آنچه که به دست می‌آوردم، از ترس از دست رفتن سلامت و پیش آمدن پیشامدهای ناگوار ثبت می‌کردم و به حافظه نمی‌سپردم.

نه محقق بود نه دانشمند

چارپایی بر او کتابی چند^{۱۳}

و بالأخره مولانا جلال‌الدین رومی در مثنوی شریف درباره اهمیت پژوهش برای محقق و فرق او با مقلد و پژوهشگر نما چنین می‌گوید:

از محقق تا مقلد فرقه‌هاست

کین چو داوود است و آن دیگر صلدست

منبع گفتار این سوزی بود

و آن مقلد کهنه آموزی بود

هین مشو غره بدان گفت حزین

بار بر گاو است و بر گردون حنین^{۱۴}

مولانا بر این باور است که پژوهشگر با مقلد بسیار تفاوت دارد، پژوهشگر همچون داوود پیامبر تولیدکننده صدا و، در حقیقت، ابداع‌کننده است ولی مقلد، همچون انعکاس صدا در کوهستان، مجازی است. منبع گفتار پژوهشگر سوزدل است و منشأ سخنان مقلد مطالب کهنه و از اعتبار و ارزش افتاده است. تو به گفته سوزناک مقلد گول مخور که گاو بر سر چاه آب، بار را می‌کشد در حالی که ناله چرخ چاه به آسمان می‌رود.

علاوه بر شواهد یادشده، در مورد پیشینه و اهمیت پژوهش در فرهنگ ایرانی، کتابهایی در گذشته به وسیله دانشمندان ایرانی تألیف شده که حتی نام کتاب نیز مؤید توجه و اهمیت دادن به پژوهش و تحقیق بوده و محتوای کتاب نیز برخوردار از روشهای گوناگون پژوهش بوده است که به عنوان نمونه می‌توان از کتاب ارزشمند تحقیق ماللهند تألیف دانشمند والامقام و منجم بلندمرتبه ایرانی ابوریحان بیرونی و یا مثلاً کتاب تحقیق مراتب الالهیه شاه نعمت‌الله ولی (متوفی ۸۴۳ق) یاد کرد.

و اما پژوهش در روزگار ما چگونه است؟ در زیر با توجه به تنگی مجال تنها به چند مورد از تنگناهای پژوهش به عنوان نمونه اشارت می‌کنیم:

۱. من بنده همواره با خود می‌اندیشد که چه اسباب

و عواملی در گذشته سبب می‌گردید تا استادان ما و آنان که استادان نسل فعلی استادان دانشگاه بوده‌اند آثاری چنان ماندگار و تألیفاتی چنان پژوهشگرانه بیافرینند که هم اکنون و پس از گذشت سالها همواره از منابع دست اول تحقیقات دانشگاهی محسوب می‌گردد و حداقل اصلی‌ترین کتابهای درسی دانشجویان فعلی یا محققان و پژوهشگران حال و آینده باشد و چرا نسل فعلی معمولاً توفیق خلق چنان آثار ماندگاری را نمی‌یابند؟ در حالی که می‌دانیم تواناییهای لازم را دارند مثلاً دست کم در محدوده پژوهشهای مربوط به زبان و ادبیات فارسی چنین است: دانشجویان این رشته برای درس تاریخ ادبیات فارسی باید به تاریخ ادبیات در ایران، تألیف استاد ذبیح‌الله صفا که دوره کامل آن پنج جلد مکرر است مراجعه کنند. از دیگر آثار ماندگار آن دوره شرح سه جلدی مثنوی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر و دنباله آن از استاد سید جعفر شهیدی است. در مورد تاریخ زبان فارسی و یا دستور زبان فارسی تألیفاتی با همین نامها از استاد خانلری و یا طرح دستور زبان فارسی شادروان محمدمعین از دیگر آثار پژوهشی ماندنی محسوب می‌گردند و یا در موضوعات صنایع لفظی و معنوی تألیف ارزشمند استاد همایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای اطمینان از درستی ضبط مثنوی مولوی باید از مثنوی مصحح پروفیسور نیکلسون، استاد فقید دانشگاه کمبریج انگلستان، بهره‌جست و برای شاهنامه فردوسی باید به سراغ شاهنامه چاپ مسکو رفت. برای فلان موضوع باید به یادداشتهای علامه قزوینی که دانشگاه تهران آنها را به چاپ رسانیده و یا اظهارنظرهای استاد مجتبی مینوی مراجعه کرده و بالأخره برای مفاهیم فلان لغت اظهار نظر دهخدا و دکتر معین را دید. بدون شک استادان فعلی دانشگاههای ما می‌توانند از عهده پژوهشهای یادشده برآیند اما چه موانعی سبب می‌گردد تا آن توفیقات نصیب

۱۳. گلستان، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، ص ۵۱۹.

۱۴. مثنوی معنوی، جلال‌الدین محمدبلخی به سعی واهتمام رینولدالین نیکلسون.

تعیین کند، آنان به راستی از عهده این کار برنمی‌آیند و منابع و مآخذ را هم نمی‌شناسند، ناگزیر و باری به هر جهت برای رفع تکلیف مجموعه‌ای از جایی فراهم می‌آورند و تحویل استاد می‌دهند و حتی این را نیز نمی‌دانند که لااقل برای رعایت امانت‌داری و حق تقدم پژوهشگر اصلی، نام مآخذ را نیز نقل کنند!

۳. محدودیت زمانی دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری که به حقیقت دوره پژوهش محسوب می‌گردد، سبب می‌شود تا دانشجویان تنها به دلیل تمام شدن به اصطلاح آموزشیها، «سنوات» فرصت نیابند پژوهشی درخور و بایسته برای پایان‌نامه‌های خود انجام دهند و پایان‌نامه‌های تحصیلی خود را گاه به صورت ابر و «ناپژوهیده» تحویل استاد دهند و استادان نیز با توجه به عظوفت خاص خود و برای اینکه به اصطلاح حقی از دانشجویان ضایع نگردد و مشمول افزایش سنوات تحصیلی و، در نتیجه، اخراج نگردند، ناگزیرند پایان‌نامه را بپذیرند و این در حالی است که دانشجویان فرصت کافی برای پژوهش لازم را نیافته‌اند و اگر هم با زحمت و پس از طرح موضوع در شوراهای مختلف دانشکده و دانشگاه برای دریافت یک نیمسال اضافی سنوات موافقت به عمل آید، بازهم در این محدودیت زمانی، کار پژوهشی بایسته‌ای انجام نمی‌گیرد.

۴. سخن را کوتاه می‌کنم و تنها به یکی از مهمترین دلایل ضعف پژوهش در کشور اشاره می‌کنم و آن مقدار اعتباری است که از تولید ناخالص کشور به امر پژوهش اختصاص یافته‌است.

نشریه‌ای در یک محاسبه آماری مربوط به سال ۱۹۸۹ میلادی/۱۳۶۷ ش درباره درصد اختصاص یافته از درآمد ناخالص ملی به امر پژوهش در سال قبل از آن یعنی سال ۱۹۸۸ مقاله‌ای تحقیقی منتشر کرده است که بنابر آن پژوهش در کشورهای اروپای غربی حدود ۶ تا ۷ درصد، در کشورهای درحال توسعه ۲ تا ۳ درصد، در آمریکا حدود ۱۳ درصد، در ژاپن ۳۳ درصد (یعنی سه برابر آمریکا) و در ایران

اینها نشود؟ و البته این در حالی است که بسیاری از امکانات و تسهیلات پژوهش که در زمان ما به آسانی فراهم است در روزگار استادان نسل پیشین ما فراهم نبود. پس مشکل کار کجاست؟!

نگارنده نیک به خاطر دارد که روزی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران وقتی از کلاس درس بسیار پر بار استاد فقید بدیع‌الزمان فروزانفر بیرون آمده بودیم و به همراه او به دفتر گروه می‌رفتیم تا بقیه اضافات استاد را بشنویم، مسئول برنامه‌ریزیهای دانشکده با ادبی تمام خدمت استاد آمد تا برنامه درسی آینده استاد را تقدیم معظم له کند. استاد پیش از آنکه آن را بگیرد با لحن خاصی که ویژه استاد بود پرسید: «چند ساعته؟» او پاسخ داد: «شش ساعت» (یعنی شش ساعت در هفته). استاد با شگفتی تمام پرسید: «پس من کی مطالعه کنم» و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

نتیجه مطالعات استاد و عشق و علاقه او به پژوهش هم این شد که شرح مثنوی شریف نیز دیوان کبیر مولوی را چنان پژوهید و به چاپ رساند که پس از گذشت سالها هنوز برای نسل کنونی از مآخذ دست اول محسوب می‌گردد و بی‌شک در آینده نیز چنین خواهد بود.

۲. در برنامه درسی دانشگاهها کار پژوهش و اصولاً امر پژوهشگری نسبت به آموزش جدی تلقی نمی‌گردد. در سه مقطع تحصیلی بعضی رشته‌های دانشگاهی تنها در دوره کارشناسی از مجموع ۱۳۹ واحد درسی تنها ۴ واحد اختیاری به روش تحقیق و مآخذشناسی اختصاص یافته و در دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری هیچ واحد درسی نظری یا عملی تحت این عنوان وجود ندارد و بارها دانشجویانی که دوره کارشناسی‌ارشد را هم به پایان رسانیده‌اند، مراجعه می‌کنند که چگونه باید پایان‌نامه تدوین کرد و چگونه باید تحقیق کرد؟ و تقاضایشان این است که: «ما را در این مورد راهنمایی کنید». بنابراین، اگر استادی هم از روی دلسوزی و علاقه شخصی برای دانشجویان در مقطع کارشناسی‌ارشد، که یک دوره تکمیلی و تحقیقی محسوب می‌گردد، پژوهشی

برق و آب و گاز و موارد مشابه، را نیز جزو بودجه پژوهشی محاسبه می‌کنیم که نباید آنها را جزو هزینه‌های تحقیق به شمار آورد. و باز هم: «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

یک دهم درصد (یک هزارم) از درآمد ناخالص ملی به امر پژوهش اختصاص داده شده است.^{۱۵} یادآوری می‌کند که در آن سال متأسفانه ایران گرفتار جنگ تحمیلی ویرانگر بوده که هزینه‌های ضروری داشته است. اما در سال ۱۳۸۳ هم درصداً اعتبارات پژوهشی از تولید ناخالص کشور به استناد قانون برنامه چهارم توسعه (از ۸۴ تا ۸۸) اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی ج. ۱. ا رقم ۸۷٪ درصد بوده است^{۱۶} و این در حالی است که ما هزینه‌های مثلاً ساختمان سازی، اجاره ساختمان،

۱۵. ر.ک: آئین پژوهش و مرجع‌شناسی، حسن احمدی، تهران، ص ۱۰.
 ۱۶. نک: قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی ج. ۱. ۱. مصوب ۱۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.